

تحلیل عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان

سمیه لطیفی* - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تبریز
سیده‌سارا موسوی مطلوب - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه
موسی اعظمی - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

امروزه توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی به نیازی جدی تبدیل شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی است، که به شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را جوانان روستایی ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان همدان تشکیل می‌دهند که از مجموع آنها، براساس فرمول کوکران ۱۸۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه، مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر است. روایی صوری پرسشنامه را متخصصان فن تأیید کردند و برای بررسی پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه در اختیار تعدادی از جوانان روستایی قرار گرفت. آلفای کرونباخ در تحقیق معادل ۰/۸۵ به‌دست آمد، که پذیرفتنی است. طبق نتایج به‌دست‌آمده، بازدارنده‌های گرایش جوانان به خوداشتغالی با استفاده از نتایج تحلیل عاملی در ۶ عامل دسته‌بندی شدند. عامل نخست که با توجه به متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل زیرساختی نام گرفت، با تبیین ۱۰/۶۰ درصد از واریانس به‌عنوان مهم‌ترین عامل معرفی شد. این عامل همراه با عوامل آموزشی، شخصیتی، اقتصادی، حمایتی، و فرهنگی در مجموع ۵۴/۸۴ درصد از واریانس را تبیین کردند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل عاملی، جوانان روستایی، خوداشتغالی، عوامل بازدارنده.

مقدمه

نواحی روستایی به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی با مسائل و مشکلات متعدد و گوناگونی مواجه هستند، که فقر و محرومیت از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌آید (رضوانی، ۱۳۸۳، ۱۲). اگرچه فقر مشکلی جهانی است، بروز وسیع و عمیق آن در بخش روستایی باعث شده است که به‌عنوان مهم‌ترین مشکل این نواحی مطرح باشد (Chamhuri, 1996, 33). امروزه نبود فرصت‌های شغلی، وجود بیکاری، و همچنین فقر روستایی را می‌توان از مشکلات اساسی روستاهای کشور برشمرد، که به مهاجرت‌های روستا-شهری منجر شده و مشکلاتی را برای شهرها و روستاها به‌بار آورده است. از جمله این مشکلات می‌توان به حاشیه‌نشینی، افزایش نرخ بیکاری در شهرها، افزایش جرم و جنایت، و بزهکاری‌های اجتماعی اشاره کرد. مهاجرت‌های روستا-شهری گذشته از آسیب‌ها و مشکلاتی که در مقصد مهاجرت (شهرها) پدید می‌آورد، روستاها را نیز از نیروی کار جوان و کارآمد - که سخت به آن نیاز دارند - محروم می‌کند (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۷۰).

مشکلات روستاها در نقاط مختلف جهان از دو مسئله اساسی ناشی می‌شود: کمبود امکانات اجتماعی (ضعف زیرساخت‌ها) و کمبود درآمد (ضعف اقتصادی). کمبود درآمد روستاییان ناشی از افزایش جمعیت روستاها، بیکاری کامل یا فصلی، بهره‌وری پایین افراد و منابع، جذابیت‌نداشتن روستاها برای سرمایه‌گذاری، و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار در روستاهاست (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷، ۱۶۴). نایاک^۱ (۱۹۹۴) معتقد است تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است. وی ایجاد اشتغال در نواحی روستایی را از راهکارهای مهم توسعه روستایی همه‌جانبه و پایدار، و عاملی مؤثر در کاهش فقر می‌داند (علافر، ۱۳۷۶، ۲۴۸). اشتغال عاملی است که باعث می‌شود از تمام نیرو و توانمندی‌های فکری و فیزیکی انسان‌ها استفاده شود و آرامش و تسکین جامعه را به دلیل از بین بردن بیکاری،

1. Nayak

مسکوت‌ماندن روند مهاجرت، استفاده و پرورش استعداد‌های درخشان، و بالا رفتن درآمد ناخالص ملی در پی دارد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۵۴). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کارآفرینی عاملی مؤثر در افزایش تولید و اشتغال‌زایی و راهی برای مقابله با بحران بیکاری و پاسخگویی به تقاضاهای متنوع جامعه روستایی است و از این‌رو به یکی از جنبه‌های مهم برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی تبدیل شده است (Higgins & Morgan, 2000).

در کشورهای توسعه‌یافته، کارآفرینی در محیط‌های روستایی به جایگاه مناسبی دست یافته و در بعضی از کشورهای در حال توسعه نیز به این فرایند به‌خوبی توجه شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کارآفرینی روستایی به‌عنوان راهبردی جدی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح است. به‌عنوان مثال در کشور سوئد، اتحادیه اقتصاد روستایی و جوامع کشاورزی از سازمان‌های فعال در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی و ایجاد محیطی بهتر در شهرها و حومه آنهاست (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۳، ۲۹۹). بدین ترتیب، توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی به‌ضرورت و نیاز جدی تبدیل شده است. از موضوعات بسیار مهم در توسعه کارآفرینی در خصوص ویژگی‌های اجتماعی، مباحث جمعیتی و خصوصیات سنی و جنسیتی آنهاست. جوانان با توجه به ویژگی‌ها و روحیه‌شان، برای کارآفرین شدن مستعدترند، به‌طوری‌که طبق مطالعات دیدبان جهانی کارآفرینی، بیشترین میزان کارآفرینی از نظر سنی، مربوط به گروه سنی ۱۴ تا ۳۵ سال است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۷۹). به نقل از (GEM).

در اکثر مطالعاتی که در خصوص عوامل بازدارنده کارآفرینی انجام شده است، محققان از دیدگاه کارآفرینان و افرادی که به‌نوعی کارآفرین بوده‌اند، به بررسی عوامل بازدارنده پرداخته‌اند. بدین ترتیب مطالعات مختصری در خصوص بررسی عوامل بازدارنده گرایش افراد به کارآفرینی و خوداشتغالی انجام شده است. شناسایی عوامل بازدارنده از دیدگاه افرادی که نتوانسته‌اند به سمت کارآفرینی و خوداشتغالی بروند نیز می‌تواند راهگشای مسئولان برای برنامه‌ریزی در خصوص رفع موانع موجود باشد. تحقیق حاضر درصدد است با توجه به مطالعات انجام‌شده در

زمینه عوامل بازدارنده کارآفرینی، به بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی از دیدگاه آنها بپردازد.

بنابراین مهم‌ترین سؤال پژوهش حاضر این است که چه عواملی مانع گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی می‌شوند؟ برای پاسخگویی به این سؤال، تحلیل عوامل بازدارنده توسعه خوداشتغالی در مناطق روستایی از دیدگاه جوانان روستایی صورت گرفت و عوامل زیر بررسی شدند:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی جوانان روستایی مطالعه‌شده؛

۲. اولویت‌بندی عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی با استفاده از ضریب تغییرات؛ و

۳. گروه‌بندی عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی با استفاده از تحلیل عاملی.

مروری بر پیشینه مطالعات

اگرچه تاکنون به کارآفرینی در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی توجه شده است، اما توسعه کامل جامعه زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که بخش‌های مختلف آن به‌صورت یکپارچه توسعه‌یافته باشند. توسعه کارآفرینی در جوامع روستایی هم‌زمان با جوامع شهری از آن‌رو ضروری به‌نظر می‌رسد که کارآفرینی می‌تواند برخی از مشکلات روستایی را رفع کند و برخی دیگر را کاهش دهد. شرایط ویژه مناطق روستایی از جمله ریسک بالا، کمبود امکانات، و ضعف مدیریت در این مناطق باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی با سایر مناطق و فعالیت‌ها تا حدی متفاوت باشد. کارآفرینان روستایی باید به‌مراتب قدرت ریسک‌پذیری بیشتری درمقایسه با کارآفرینان سایر مناطق داشته باشند. کارآفرینان روستایی به‌دنبال شناسایی فرصت‌های جدید، نوآوری، و خلاقیت در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، و کاربری اراضی و استفاده بهینه، متنوع و نوآورانه از منابع روستایی برای کسب سود بیشتر هستند

(رضوانی، نجارزاده، ۱۳۸۷، ۱۶۳). کارآفرینی فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کند که بتوانند درآمدشان را بهبود بخشند، دارایی و سرمایه‌شان را افزایش دهند و در مجموع استاندارد زندگی در جوامع روستایی را با ایجاد تشکیلات اقتصادی جدیدی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط رشد دهند (Henly, 2002).

آلن^۱ و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند کارآفرینان در جوامع روستایی برای شکل‌دادن یا خلق و رشد فعالیت‌هایشان نیاز به حمایت دارند، اما بیشتر این جوامع آمادگی لازم برای تأمین نیازهای ضروری مانند سرمایه، فناوری، و اطلاعات را ندارند. در نتیجه برای کمک به توسعه جوامع روستایی، به مدل نظریه‌ای کارآفرینی که مبتنی بر شناخت متغیرهای وابسته و رابطه میان آنهاست، نیاز است. رینولد^۲ و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند کارآفرینی رفتار و پدیده‌ای پویاست که شکل‌گیری آن نیازمند همواربودن زمینه و بستر است. کارآفرینی، رفتاری تکامل‌یافته است و توسعه آن نیز در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند ساختارسازی و پیگیری برنامه‌مند کارکردهای حمایتی و فراهم‌بودن زمینه‌های مساعد است. توسعه کارآفرینی تحت تأثیر عوامل مختلفی است که هر یک از صاحب‌نظران حوزه کارآفرینی آنها را از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند. نبود هر یک از این عوامل می‌تواند مانعی برای توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی به‌شمار آید. آلیسون^۳ (۱۹۹۰) معتقد است که فعالیت کارآفرینی تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند ویژگی‌ها و انگیزه‌های فردی، آموزش، فرهنگ، آداب و رسوم، قوانین، سیاست‌ها، و دانش فنی است. سازمان بین‌المللی کار^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی با هدف تبیین عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی جوانان، پنج عامل مهم نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی به کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، وجود شبکه‌های منظم اداری، و وجود برنامه‌های حمایت از کسب‌وکارهای کارآفرینانه را به‌عنوان عوامل ضروری برشمرده است.

1. Allen
2. Reynolds
3. Alison
4. ILO

لردکیپانیدز^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی به منظور بررسی توسعه کارآفرینی در صنعت گردشگری در مناطق روستایی، به فراهم آوردن فضای حمایتی مناسب برای توسعه کارآفرینی پرداخته است. وی مهیاساختن فضای فرهنگی جامعه را در مسیر حمایت از کارآفرینی، و تأمین زیرساخت‌های حمایتی لازم برای فعالیت کارآفرینان را از عناصر اصلی برنامه‌های حمایت از کارآفرینی قلمداد کرده است.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی نیازمند توجه همه‌جانبه به عوامل درونی-بیرونی، اقتصادی-اجتماعی، نهادی-محیطی، و فضایی-مکانی است. آنها پی بردند که مهم‌ترین بعد تأثیرگذار در توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی بعد اقتصادی است و از میان آنها نیز داشتن سرمایه مالی کافی در آغاز کار مهم‌ترین است. شان^۲ و همکارانش (۲۰۰۳) معتقدند انگیزش افراد عامل بسیار مهمی در تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های کارآفرینانه است. آنها بیان کردند که انگیزش مانند نقشه راهی است که به پژوهشگران کمک می‌کند تا در فرایند کارآفرینی مسیر درست و تصمیم صحیح را اتخاذ کنند. فقدان هریک از عوامل یادشده به‌عنوان عوامل بسترساز توسعه کارآفرینی، مانع از گرایش افراد به کارآفرینی می‌شود. شریفی و همکاران (۱۳۸۶) موانع ساختاری و زیربنایی، آموزشی، مشوق‌ها و انگیزه‌ها را از مهم‌ترین موانع کارآفرینی در بخش کشاورزی عنوان کرده‌اند. کلاپر^۳ و همکاران (۲۰۰۳) قوانین و دستورالعمل‌های دولتی و اقتصادی را بر گرایش افراد به کارآفرینی و تداوم آن مؤثر می‌دانند و ضمن اینکه آن را تسهیل‌گر برمی‌شمارند، برآن‌اند که نوع پیچیده آن مانع محسوب می‌شود. پروتی و ولپین^۴ (۲۰۰۴) ضمن تأیید اثر چندجانبه دولت، سیاست و سیاست‌گذاران بر تأخیر یا تعدیل فرایند گسترش کارآفرینی، نقش سیاست را در رویارویی با

1. Lordkipanidze
2. Shan
3. Klapper
4. Protti & Volpin

کارآفرینی مهم ارزیابی کرده‌اند و از تصدی‌گری دولت‌مردان در اقتصاد به‌عنوان مانعی بزرگ برای رشد کسب‌وکارهای کارآفرینانه یاد می‌کنند.

تحقیقات انجام‌شده در زمینه عوامل بازدارنده کارآفرینی و خوداشتغالی نشان می‌دهند که عوامل بسیاری در ابعاد مختلف مانع از توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی می‌شوند که در قالب جدول ۱ دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۱. نتایج مطالعات گذشته درباره عوامل بازدارنده خوداشتغالی و کارآفرینی

عوامل بازدارنده	نویسنده و سال
اقتصادی و حمایتی	زالی و رضوی (۱۳۸۷)، اهرپور (۱۳۸۵)، سعیدی‌نیا (۱۳۸۰)، شری و همکاران (۲۰۰۱)
زیرساختی	شریفی و همکاران (۱۳۸۶)، کلاپر و همکاران (۲۰۰۳)، هندرسون و رابرتسون (۱۹۹۹)، نوری وندی و میردامادی (۱۳۸۸)، یعقوبی و قاسمی (۱۳۸۸)
اداری و قانونی	لیو و سوهمن (۲۰۰۱)، مایکلی و همکاران (۲۰۰۱)، زالی و رضوی (۱۳۸۷)، پروتی و ولپین (۲۰۰۴)
آموزشی	نوری‌وندی و میردامادی (۱۳۸۹)، شریفی و همکاران (۱۳۸۶)، اسکندری و همکاران (۱۳۸۵)، هندرسون و رابرتسون (۱۹۹۹)

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کمی، از نظر میزان و درجه کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی، و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی است، که با هدف بررسی عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی بخش مرکزی همدان به خوداشتغالی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را جوانان روستایی ۱۸ تا ۲۹ ساله بخش مرکزی شهرستان همدان (N=۳۶۸۳۷) تشکیل می‌دهند که از میان آنها ۱۸۴ نفر براساس فرمول

کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود، به این ترتیب که پس از تعیین حجم نمونه، از هر دهستان دو روستا به صورت تصادفی انتخاب و در هر روستا ۱۶ خانوار و در هر خانوار یک جوان روستایی بالای ۱۸ سال به صورت تصافی انتخاب شدند. عمومی‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق پیمایشی، پرسشنامه است. پرسشنامه تحقیق با توجه به مطالعات و پژوهش‌های قبلی و با مشورت افراد متخصص در این زمینه طراحی شد و روایی صوری آن را متخصصان رشته ترویج و توسعه روستایی تأیید کردند. به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق پرسشنامه در اختیار تعدادی از جوانان روستایی قرار گرفت و نتایج آن بررسی شد و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد، که رقم مناسبی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از نرم‌افزار SPSS/16 استفاده شد. در بخش توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، انحراف معیار، میانگین، و ضریب تغییرات و در بخش تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی به منظور دستیابی به عوامل اصلی بازدارنده گرایش جوانان به خوداشتغالی استفاده شد.

از آنجاکه هدف از تحلیل عاملی تلخیص تعداد زیادی متغیر در قالب تعداد مشخصی عامل است (کلانتری، ۱۳۸۴)، در پژوهش حاضر عوامل بازدارنده خوداشتغالی از دیدگاه جوانان روستایی و تعیین مقدار واریانس تبیین شده به وسیله هر کدام از متغیرها، در قالب عامل دسته‌بندی شده است. نوع تحلیل عاملی به کار برده شده، اکتشافی با رویکرد تعیین متغیرهای معنادار در هر کدام از عامل‌های تعیین شده در چارچوب نظری تحقیق است.

محدوده مطالعه شده

محدوده مطالعه شده در این تحقیق، روستاهای بخش مرکزی شهرستان همدان بودند. براساس آخرین آمارها، محدوده مطالعه شده دارای شش دهستان و ۴۵ نقطه روستایی است. شکل ۱، نقشه موقعیت جغرافیایی روستاهای مطالعه شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی روستاهای مطالعه شده

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین سنی جوانان روستایی مطالعه شده در حدود ۲۴ سال است. از بین ۱۸۴ نفر نمونه آماری مطالعه شده، سطح تحصیلات ۸۱ نفر (۴۵ درصد) زیر دیپلم، ۴۴ نفر (۲۴/۴ درصد) دیپلم، ۲۹ نفر (۱۶/۱ درصد) فوق دیپلم، ۲۱ نفر (۱۱/۷ درصد) لیسانس، و ۵ نفر (۲/۸ درصد) فوق لیسانس است.

براساس نتایج به دست آمده، اولویت شغلی اکثریت جوانان روستایی (۷۵ درصد) راه اندازی کسب و کار مستقل یا خوداشتغالی، و اولویت شغلی تعداد کمی از آنها (۷/۲ درصد) کار برای دیگران است. ۳۷/۲ درصد از پاسخگویان، شغل‌های دولتی و ۱۳/۹ درصد شغل پدری‌شان را ترجیح می‌دهند. با توجه به نتایج به دست آمده، در صورت فراهم بودن بسترهای لازم در مناطق روستایی، این زمینه در جوانان روستایی وجود دارد که به سمت خوداشتغالی بروند. طبق نتایج به دست آمده، ۲۵/۶ درصد از افراد مطالعه شده در دوره‌های آموزش کارآفرینی شرکت کرده و

۷۴/۴ درصدشان تاکنون در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند. آشنایی با روش‌های تأمین منابع مالی خوداشتغالی، قالب‌های راه‌اندازی کسب‌وکار (شرکت‌ها)، نحوه تدوین طرح کسب‌وکار، نحوه اداره و مدیریت کسب‌وکار، و قوانین و مقررات خوداشتغالی از جمله مواردی هستند که در موفقیت فرد برای راه‌اندازی کسب‌وکار و خوداشتغالی مؤثرند. براساس نتایج به‌دست‌آمده میزان آشنایی اکثر جوانان روستایی (۳۱/۳ درصد) با این مفاهیم در حد متوسط، میزان آشنایی ۴۷/۵ درصدشان در حد خیلی زیاد و زیاد و میزان آشنایی ۲۱/۲ درصدشان در حد کم و خیلی کم است. در مجموع، میزان آشنایی جوانان روستایی مطالعه‌شده با مفاهیم در حد پذیرفتنی است.

جدول ۲. توزیع فراوانی میزان آشنایی جوانان روستایی با مفاهیم خوداشتغالی (درصد)

جمع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	آشنایی با
۱۰۰	۱۰	۱۱/۱	۳۱/۷	۲۱/۷	۲۵/۶	نحوه تدوین طرح کسب‌وکار
۱۰۰	۱۱/۷	۱۰/۱	۳۶/۳	۱۷/۹	۲۴	قالب‌های راه‌اندازی کسب‌وکار (شرکت‌ها)
۱۰۰	۱۱/۷	۱۵/۶	۲۴/۶	۲۰/۷	۲۷/۴	روش‌های تأمین منابع مالی خوداشتغالی
۱۰۰	۱۱/۲	۱۱/۲	۳۴/۶	۱۹/۶	۲۳/۵	نحوه اداره و مدیریت کسب‌وکار
۱۰۰	۱۲/۲	۱۱/۱	۳۰/۶	۱۹/۴	۲۶/۷	قوانین و مقررات خوداشتغالی
۱۰۰	۱۲/۸	۸/۴	۳۱/۳	۲۴	۲۳/۵	میانگین کلی

اولویت‌بندی عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی

به‌منظور تعیین میزان اهمیت هریک از متغیرهای بازدارنده توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی بین جوانان روستایی، از میانگین، انحراف معیار، و ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی خوداشتغالی (میانگین ۴/۰۹ و انحراف معیار ۰/۹۹)، بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی (میانگین ۴/۰۶ و انحراف معیار ۱/۰۴)، پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس جوانان روستایی (میانگین ۳/۹۸ و انحراف معیار ۱/۰۲)، عدم امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی (میانگین ۴ و انحراف معیار ۱/۰۶)، و عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی (میانگین ۳/۸۷ و انحراف معیار ۱/۰۴) به ترتیب از مهم‌ترین عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی به‌شمار می‌آیند.

جدول ۳. اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه خوداشتغالی جوانان روستایی به خوداشتغالی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	عوامل بازدارنده توسعه خوداشتغالی
۱	۰/۲۴۱	۰/۹۹	۴/۰۹	محدودیت دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی خوداشتغالی
۲	۰/۲۵۶	۱/۰۴	۴/۰۶	بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی روستایی
۳	۰/۲۵۶	۱/۰۲	۳/۹۸	پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس جوانان روستایی
۴	۰/۲۶۶	۱/۰۶	۴/۰۰	عدم‌امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی
۵	۰/۲۶۹	۱/۰۴	۳/۸۷	عدم‌تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی
۶	۰/۲۷۱	۱/۰۵	۳/۹۰	ناتوانی جوانان روستایی در تأمین سرمایه اولیه برای خوداشتغالی
۷	۰/۲۸۰	۱/۱۱	۳/۹۶	دسترسی‌نداشتن به فناوری‌های روز در روستا
۸	۰/۲۸۰	۱/۰۵	۳/۷۷	ناتوانی جوانان روستایی در تأمین وثیقه برای مؤسسات مالی
۹	۰/۲۹۰	۱/۱۴	۳/۹۲	پایین‌بودن روحیه ریسک‌پذیری بین جوانان روستایی
۱۰	۰/۲۹۰	۱/۱۰	۳/۸۱	ناآشنایی جوانان روستا با چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکار
۱۱	۰/۳۰۲	۱/۱۹	۳/۹۶	نبود وام‌های کم‌بهره و تسهیلات بانکی مناسب برای جوانان روستایی
۱۲	۰/۳۰۸	۱/۱۶	۳/۷۸	فراگیرنشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی
۱۳	۰/۳۱۲	۱/۱۹	۳/۸۰	ناچیزبودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی
۱۴	۰/۳۱۴	۱/۱۷	۳/۷۳	پایین‌بودن فرهنگ تعاون و همکاری بین جوانان روستایی
۱۵	۰/۳۳۱	۱/۱۹	۳/۶۰	نظام‌های پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی
۱۶	۰/۳۳۲	۱/۱۸	۳/۵۷	فقدان مراکز مشاوره کارآفرینی برای راهنمایی جوانان روستایی
۱۷	۰/۳۴۸	۱/۲۵	۳/۶۱	آشنایی محدود جوانان روستایی با مقوله کارآفرینی و خوداشتغالی
۱۸	۰/۳۶۰	۱/۲۹	۳/۶۰	حمایتی‌نبودن و پیچیده‌بودن قوانین خوداشتغالی
۱۹	۰/۳۶۵	۱/۲۱	۳/۳۳	فقدان مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه روستایی
۲۰	۰/۳۷۰	۱/۲۷	۳/۴۳	فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در مناطق روستایی
۲۱	۰/۳۸۶	۱/۳۶	۳/۵۳	فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی در روستا
۲۲	۰/۴۰۳	۱/۳۶	۳/۳۷	اعتقادنداشتن روستاییان به خوداشتغالی و کارآفرینی در روستا
۲۳	۰/۴۱۱	۱/۳۶	۳/۳۱	ترس از ناتوانی اداره و مدیریت کسب‌وکار در مناطق روستایی
۲۴	۰/۴۲۰	۱/۴۰	۳/۳۴	قوانین مربوط به دریافت مجوز برای شروع کسب‌وکار
۲۵	۰/۴۳۶	۱/۴۶	۳/۳۶	پایین‌بودن مهارت و تجربه جوانان روستایی در زمینه خوداشتغالی

عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی

به منظور تعیین هریک از عوامل بازدارنده اصلی و تعیین سهم هریک از آنها، از تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج محاسبات نشان دادند که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی ($KMO=0/731$) مناسب و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنادار است. در این بررسی با توجه به ملاک کیسر، شش عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل بازدارنده توسعه خوداشتغالی در بین جوانان روستایی استخراج شد (جدول ۴).

جدول ۴. عوامل استخراج شده، مقدار ویژه، درصد واریانس، و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۲/۷۵۶	۱۰/۶۰	۱۰/۶۰
عامل دوم	۲/۵۳۲	۹/۷۴	۲۰/۳۴
عامل سوم	۲/۳۵۵	۹/۰۵	۲۹/۳۹
عامل چهارم	۲/۲۳۹	۸/۶۱	۳۸
عامل پنجم	۲/۲۱۶	۸/۵۲	۴۶/۵۳
عامل ششم	۲/۱۶۱	۸/۳۱	۵۴/۸۴

این جدول نشان می‌دهد که مقدار ویژه هر شش متغیر استخراج شده به عنوان عوامل بازدارنده تقریباً نزدیک به ۲ است. بنابراین، اهمیت هر شش عامل به عنوان عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی در یک سطح است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت عامل اول (مقدار ویژه = ۲/۷۵۶) بیشترین سهم و عامل ششم (مقدار ویژه = ۲/۱۶۱) کمترین سهم را در تبیین کل متغیرها دارند و در مجموع شش عامل مذکور توانسته‌اند ۵۴/۸۴ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین کنند. برای چرخش عاملی از روش وریماکس جدول ۵ استفاده شد.

جدول ۵. متغیرهای مربوط به هریک از عوامل و میزان بارهای عاملی ماتریس چرخش یافته

عامل‌ها	گویه‌ها	بار عاملی
زیرساختی	فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در مناطق روستایی	۰/۵۰۸
	عدم امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی	۰/۶۴۰
	دسترسی نداشتن به فناوری‌های روز در روستا	۰/۷۲۵
	نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه روستایی	۰/۵۳۳
آموزشی	فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی در روستا	۰/۶۶۶
	نبود مراکز مشاوره کارآفرینی برای راهنمایی جوانان روستایی	۰/۵۹۷
	پایین بودن مهارت و تجربه جوانان روستایی در زمینه خوداشتغالی	۰/۷۹۹
شخصیتی	پایین بودن روحیه ریسک‌پذیری بین جوانان روستایی	۰/۶۶۸
	پایین بودن سطح خودباوری و اعتماد به نفس جوانان روستایی	۰/۸۵۲
	پایین بودن فرهنگ تعاون و همکاری بین جوانان روستایی	۰/۶۲۱
اقتصادی	ناتوانی جوانان روستایی در تأمین وثیقه برای مؤسسات مالی	۰/۶۹۰
	نظام‌های پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی	۰/۶۹۶
	ناتوانی جوانان روستایی در تأمین سرمایه اولیه خوداشتغالی	۰/۵۲۶
	ناچیز بودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی	۰/۵۵۸
حمایتی	عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی	۰/۵۰۷
	بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی روستایی	۰/۵۳۱
	حمایتی نبودن و پیچیده بودن قوانین خوداشتغالی	۰/۶۴۹
	محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی	۰/۶۶۳
فرهنگی	فراگیر نشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی	۰/۷۲۹
	عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی	۰/۵۸۶
	آشنایی محدود جوانان روستایی با مقوله کارآفرینی و خوداشتغالی	۰/۶۳۷

عامل نخست - عامل زیرساختی: متغیرهایی که در عامل نخست قرار گرفته‌اند اینها هستند: فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در مناطق روستایی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی، دسترسی نداشتن به فناوری‌های روز در روستا، و نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه روستایی. با توجه به متغیرهایی که در این عامل جای گرفتند، عامل زیرساختی در مناطق روستایی نام‌گذاری شد، که مقدار ویژه آن برابر

۲/۷۵۶ و از تمامی عوامل دیگر بزرگ‌تر است. این عامل بیشترین تأثیر و بیشترین اهمیت را در تبیین متغیرها دارد و در مجموع ۱۰/۶۰ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص داده است. بنابراین، در زمینه توسعه خوداشتغالی جوانان روستایی، عامل زیرساختی بیش از هر چیز به‌عنوان بازدارنده عمل می‌کند. نتایج پژوهش‌های شریفی و همکاران (۱۳۸۶)، کلاپر و همکاران (۲۰۰۳)، و لیو و سوهمن (۲۰۰۱) با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد.

عامل دوم - عامل آموزشی: متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفته‌اند اینها هستند:

فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی در روستا، نبود مراکز مشاوره کارآفرینی برای راهنمایی جوانان روستایی، و پایین بودن مهارت و تجربه جوانان روستایی در زمینه خوداشتغالی. ویژه این عامل برابر با ۲/۵۳۲ است، که بعد از عامل زیرساختی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. این عامل در مجموع ۹/۷۴ درصد از واریانس کل متغیرهای بررسی شده را تبیین می‌کند. شریفی و همکاران (۱۳۸۶)، آلیسون (۱۹۹۰)، و دابسون و همکاران (۲۰۰۲) نیز در مطالعه‌شان از فقدان آموزش و تجربه به‌عنوان یکی از عوامل بازدارنده کارآفرینی یاد کرده‌اند.

عامل سوم - عامل شخصیتی: متغیرهای پایین بودن روحیه ریسک‌پذیری بین جوانان

روستایی، پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس جوانان روستایی، و پایین بودن فرهنگ تعاون و همکاری بین جوانان روستایی تشکیل‌دهنده این عامل هستند. این عامل به‌دلیل ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده آن تحت عنوان «عامل شخصیتی» نام‌گذاری شد. مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۳۵۵ است. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل برابر با ۹/۰۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. با اینکه این عامل فقط سه متغیر را در خود جای داده، سهم زیادی از کل واریانس را به خود اختصاص داده است.

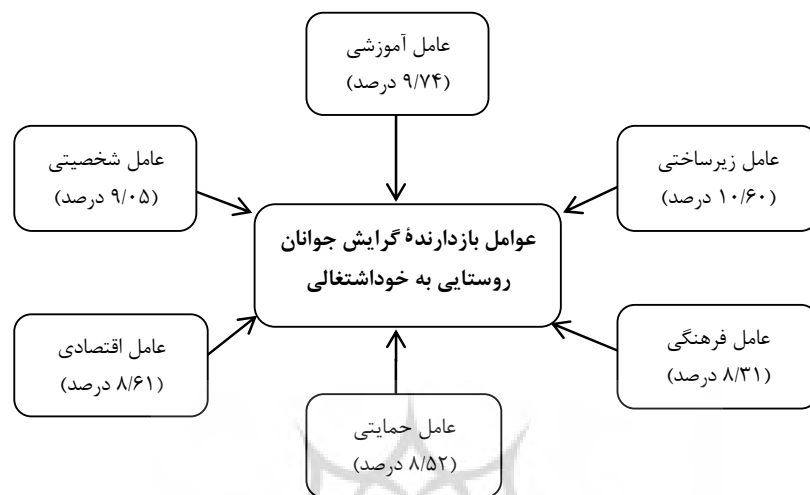
عامل چهارم - عامل اقتصادی: متغیرهایی که در این عامل قرار گرفته‌اند اینها هستند:

ناتوانی جوانان روستایی در تأمین وثیقه برای بانک‌ها و مؤسسات مالی، نظام‌های پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی، ناتوانی جوانان روستایی در تأمین سرمایه اولیه برای خوداشتغالی، و ناچیز بودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی. تفسیر این متغیرها نشان می‌دهد که هر چهار

متغیر در زمینه اقتصادی و مالی‌اند. مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۲۳۹ است و ۸/۶۱ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) نیز به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین بعد تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی بعد اقتصادی است و از بین متغیرهای آن نیز داشتن سرمایه مالی کافی در آغاز کار را مهم‌ترین عامل برشمرده‌اند. نتایج تحقیقات مارتین (۱۹۹۲) و لیو و سوهمن (۲۰۰۱) نیز با نتایج تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد.

عامل پنجم - عامل حمایتی: متغیرهای عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی، بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی، حمایتی‌نبودن و پیچیده‌بودن قوانین خوداشتغالی، و محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی، تشکیل‌دهنده این عامل‌اند. این عامل به دلیل ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده آن، «عامل حمایتی» نام‌گذاری شد. مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۲۱۶ است. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل برابر با ۸/۵۲ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. آلن و همکاران (۲۰۰۳)، رینولد و همکاران (۲۰۰۴)، و لردکیپانیدز (۲۰۰۲) نیز در مطالعات‌شان از عوامل حمایتی به‌عنوان عاملی برای توسعه کارآفرینی نام برده‌اند.

عامل ششم - عامل فرهنگی: متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل عبارت‌اند از: فراگیرنشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی، عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی، و آشنایی محدود جوانان روستایی با مقوله کارآفرینی و خوداشتغالی. این عامل با توجه به ماهیت متغیرهایی که در آن قرار گرفته‌اند، «عامل فرهنگی» نام‌گذاری شد. مقدار ویژه این عامل برابر با ۲/۱۶۱ است و ۸/۳۱ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. احمدپور داریانی و عرفانیان (۱۳۸۶)، آلیسون (۱۹۹۰)، و لردکیپانیدز (۲۰۰۲) ایجاد فرهنگ کسب و فرهنگ کارآفرینانه را از جمله عواملی می‌دانند که موجب توسعه فضای کسب‌وکار و کارآفرینی می‌شود و فقدان آن را مانع از توسعه کارآفرینی در جوامع برمی‌شمارند.



شکل ۲. عوامل بازدارنده گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی

بحث و نتیجه گیری

در دهه‌های اخیر، شتاب نسبی رشد مناطق شهری برپایه تولیدات صنعتی و توسعه بخش‌های خدماتی، و ازسویی توجه کمتر به مناطق روستایی در کشور، باعث سرازیر شدن نیروی کار و جمعیت جویای کار از روستاها به مناطق شهری و حاشیه شهرها و به تبع آن پیدایش قشر عظیمی از جمعیت بیکار و نابرابری در سطح درآمدها در مناطق شهری و روستایی کشور شده است. با وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و مادی فراوان و ارزشمند در مناطق روستایی، ضرورت اتخاذ تصمیمات و تمهیداتی برای سازماندهی امر اشتغال و کمک به توسعه خوداشتغالی و بهره‌گیری از قابلیت‌ها و فرصت‌های موجود در این مناطق احساس می‌شود. توجه به مقوله خوداشتغالی در جوامع روستایی با توجه به نقشی که در کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری افراد و منابع دارد، می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

صرف‌نظر از اهمیتی که خوداشتغالی در جوامع روستایی دارد، همواره عواملی مانع از گرایش افراد به کارآفرینی و خوداشتغالی در روستاها هستند. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهند که از دیدگاه جوانان روستایی، محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی خوداشتغالی، بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی در مناطق روستایی، پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس جوانان روستایی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی، و عدم تشویق و حمایت‌نکردن از طرح‌های خلاقانه در مناطق روستایی به ترتیب از مهم‌ترین عوامل بازدارنده خوداشتغالی بین جوانان روستایی هستند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که دولت منابع مالی لازم را برای جوانان روستایی در نظر گیرد و وام و تسهیلات بانکی درازمدت در اختیار آنها قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند از دیدگاه جوانان روستایی زیرساخت‌های موجود در مناطق روستایی از عوامل بازدارنده توسعه خوداشتغالی در روستاها عمل می‌کنند، بنابراین پیشنهاد می‌شود اقداماتی در جهت تقویت زیرساخت‌های فیزیکی روستاها، تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی در روستاها، و ایجاد مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی انجام گیرد. نتایج تحلیل‌عاملی بیانگر این واقعیت است که عامل آموزشی بعد از عامل زیرساختی بیشترین تأثیر و اهمیت را به‌عنوان عامل بازدارنده در گرایش جوانان روستایی به کارآفرینی و خوداشتغالی دارد. پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی در جهت ارتقای مهارت‌های عملی جوانان روستایی برگزار شود. تأسیس مراکز مشاوره‌ای کارآفرینی نیز از دیگر اقداماتی است که می‌تواند برای توسعه خوداشتغالی در مناطق روستایی صورت پذیرد.

با وجود اینکه فرصت‌های خوداشتغالی زیادی در مناطق روستایی وجود دارد، اما جوانان روستایی معتقدند که حمایت‌های لازم از آنها به‌منظور خوداشتغالی صورت نمی‌گیرد. در چنین وضعیتی سازمان‌ها و نهادهای متولی می‌بایست با طراحی برنامه‌های مناسب و عملی و هماهنگ با یکدیگر، به ترغیب جوانان روستایی به این‌گونه فعالیت‌ها اقدام کنند.

با توجه به نتایج این تحقیق، از دیگر موانع گرایش جوانان روستایی به خوداشتغالی عامل شخصیتی و فرهنگی است. در این زمینه، مطلوب است برنامه‌های آموزشی به‌منظور ارتقای فرهنگ کار گروهی بین جوانان روستایی، ایجاد و تقویت اعتمادبه‌نفس در آنها، و تقویت روحیه ریسک‌پذیری میان آنها توأم با آموزش‌های تخصصی، طراحی و در مناطق روستایی اجرا شود.

منابع

- احمدپور داریانی، محمد و عرفانیان، الف، ۱۳۸۶، نقش و جایگاه کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، سال هفتم، شماره ۶۹ و ۷۰، صص. ۲۲-۵.
- احمدپور داریانی، محمود؛ شیخان، ناهید و رضازاده، حجت‌الله، ۱۳۸۳، تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب، امیرکبیر، تهران.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ طاهرخانی، مهدی؛ سجاسی قیداری، حمدالله، ۱۳۸۸، تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳، صص. ۷۲-۴۱.
- پترین، ۱۹۹۷، کارآفرینی به‌منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، حمیدرضا زرنگار، جهاد، ۲۲ (۲۵۱)، صص. ۷۵-۶۸.
- دادورخانی، فضلیه؛ رضوانی، محمدرضا؛ ایمنی قشلاق، سیاوش و بوذرجمهری، خدیجه، ۱۳۹۰، تحلیل نقش گردشگری در توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه موردی: روستای کندوان و اسکندان شهرستان اسکو)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۷، صص. ۱۹۵-۱۶۹.
- رضوانی، محمدرضا و نجارزاده، محمد، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، توسعه کارآفرینی، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۸۲-۱۶۱.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران، قومس، تهران.

شریفی، امید؛ علیزاده، حمیدرضا؛ اسماعیلی‌پور، امیرعلی و سلیمانی، احمد، ۱۳۸۶، تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی، از دیدگاه دانشجویان سال آخر کشاورزی، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، سمنان، اسفند.

علاءفر، الهه، ۱۳۷۶، مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

قدیری معصوم، مجتبی؛ مهدوی، مسعود و برقی، حمید، ۱۳۸۴، بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص. ۱۷۵-۱۵۳.

هاشمی، سیدسعید؛ مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ رضوانی، محمدرضا و مقیمی، سیدمحمد، ۱۳۹۰، تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۱، صص. ۹۳-۱۱۴.

Alison, M., 1990, **Entrepreneurship: An International Perspective**, Oxford, Linacre House.

Allen, J.C. et al., 2003, **Examination of a Community Action Field Theory Model for Locality Based Entrepreneurship**, Paper Presented at the Annual Rural Sociological Society Meeting, Montreal, Canada.

Chamhuri, S., 1996, **Rural Development in jomo K.S. and Ng. Siew Kiat (eds)**, Malaysia's Economic Development Experience, kuala lumpor: pelanduk publications.

Dabson, B. et al., 2003, **Mapping Rural Entrepreneurship**, W.K. Kellogg Foundation, Corporation for Enterprise Development.

Henly, A., 2002, **Job Creation by the Self-employed: The Roles of Entrepreneurial and Financial Capital**, Small Business Economics, No. 25, PP. 175-196.

Higgins, M., & Morgan, J., 2000, **The of Creativity in Planning: The creative practitioner**, Planning Practice and Research, Vol. 15, No. 1, PP. 117-128.

ILO, 2006, **Stimulating Youth Entrepreneurship: Barriers and incentives to enterprise start-ups by young people**, By Ulrich School, Small Enterprise Development Program Job Creation and Enterprise Development Department International Labour Office. Geneva.

Klapper, L., Laeven, L. & Raghuram, R., 2004, **Barriers to Entrepreneurship**, World Bank.

Lordkipanidze, M., 2002, **Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for Sustainable Regional Development The case of Söderslätt region, Sweden**, Published in 2002 by The International Institute for Industrial Environmental Economics, Lund University.

Nayak U.S., 1994, **Rural Industrialization**, M.D. publication pvt. New Delhi, India.

Perotti, E. & Volpin, P., 2004, **Lobbying on Entry**, paper presented at the World Bank, Stern Entry Workshop, Jan. 2005.

Shane, S. Locke, E.A. and Collins, C.J., 2003, **Entrepreneurial Motivation**, Human Resource Management Review, Vol. 13, No. 3, PP. 257–279.

